بخش دوم و پایانی

درنگی در تشابهات و تفاوت های پل ریکور و ژاک دریدا

فروتنی در پیشگاه حقیقتِ دست نایافتنی

پیام یزدانجو

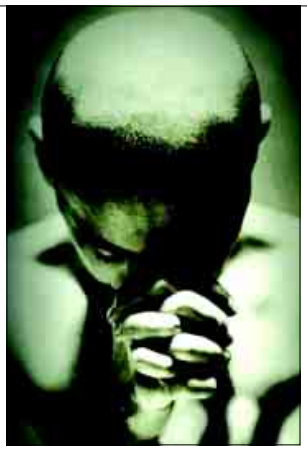

تا به این جا ظاهراً همسویی مهمی بین ریکور و دریدا دیده می شود. با این حال، «راه آن دو در جایی اساساً از هم جدا خواهد شد: در مورد مفاهیم «تأویل» و «متن». اما نخست تأویل. می دانیم جستار مشهور دریدا که بسیاری آن را سرآغاز پساساختارگرایی دانسته اند، همان سخنرانی معروف دانشگاه جان هاپکینز با عنوان «ساختار، نشانه، وبازی در گفتمان علوم انسانی» (۱۹۶۵)، با این نقل قول از مونتنی آغاز می شود که «ما بیش از آن که نیازمند تأویل امور باشیم به تأویل تأویل ها نیاز داریم.» چنان که در بخش پایانی این جستار بحث می شود، منظور از «تأویل تأویل ها» در واقع مطرح کردن دو گونه «تأویل از تأویل» است، یکی تأویلی در راستای رمزگشایی از حقیقت، حس حضور، و نیل به خاستگاه و سرآغاز سوژکتیو آن (تأویلی اومانیستی) هرمنوتیکی، و دیگری تأویلی که خود را وقف بازی آزاد و بی پایان نشانه ها، نفی حضور، طرد خاستگاه ها، طرد هویت و پاسداشت «تفاوط» می کند (تأویلی نیچه ای / شالوده شکن). دریدا البته تأکید دارد که مسأله بر سر اختیار کردن یکی از این دو نیست، مسأله تشکیک در آن اجباری است که ما را، در طول تاریخ فلسفه غرب و در واقع تاریخ «متافیزیک حضور»، واداشته تا با ساختن تقابلی دوتایی از این دو گونه تأویل از تأویل در قالب یک پایگان موروثی، تأویل نوع اول را همواره بر نوع دوم مرجح بشماریم. سوای همدلی دریدا با تأویل نوع دوم، تعارض مهم دیگری را نیز می توان ملاحظه کرد. همچنان که در مورد پاسخ به پرسش «من که ام؟» گفتم، در این جا هم هرمنوتیک ریکوری متضمن فرض «حقیقت» مستتر در متن است که البته هرگز فراچنگ نخواهد آمد، حال آن که شالوده شکنی دریدایی اصلاً به وجود همچنین حقیقتی پی باور است. باز هم باید گفت، بین این دو برداشت از «حقیقت» فاصله چندانی نیست ـ و باز هم باید تأکید کرد که با این همه، «حقیقت همیشه دست نایافتنی» و با «حقیقت همیشه ناموجود» نه تنها مفاهیمی یکسان نبوده بل کارکردهای اخلاقی واجتماعی متباینی خواهند یافت - مشروح این بحث را به صورت برجسته و مؤثر می توان در کار ژان - لوک نانسی، «نسیهم آواها» (۱۹۸۲)، پی گرفت، خوانشی از هایدگر که در نقد ریکور و ریکور و با ریکوردی هگلی ـ دریدایی نوشته شده.

پیش از آن که به مفهوم «دو یعنی «متن» بپردازیم، بد نیست که درنگی کنیم و همان تعارض پیشین را قدری بیش تر بکاویم. می دانیم که تعریف نیچه ای از «حقیقت» به عنوان «لشکر خروشانی از استعاره ها» نشان خود را بر تفکر این هر دو نویسنده نقش زده. با این حال، دقیقاً همین جا یعنی در برداشت های متفاوت و قطعاً متعارض ریکور و دریدا از «استعاره» است که راه آن دو از هم جدا می شود. پیش از هرچیز باید اشاره کنم که یک اختلاف هرمنوتیک ریکوری با شالوده شکنی دریدایی البته در این است که «استعاره» در کار ریکور عمدتاً منشی زبان شناختی دارد حال آن که در کار دریدا و همچنین برخی شالوده شکنان آمریکایی نظیر پل دومان منشی بیش تر نشانه شناختی پیدا می کند ـ به بیان دیگر، یکی در حوزه «بوطیقا» است و دیگری در حوزه «ریطوریقا». با این حال، بیاید به جای پیگیری این تفاوت، به یکی از معدود مواجهات متنی و مستقیم ریکور و دریدا بپردازیم که اتفاقاً درباره همین مضمون است.

ریکور در یکی از مهم ترین آثار خود با عنوان گویای «استعاره زنده» (۱۹۷۵)، در فصل هشتم، به نقد دیدگاه دریدا درباره «استعاره»، چنان که در جستار «اسطوره، شناسی سفید: استعاره در متن فلسفه» (در «حواشی فلسفه»، ۱۹۷۲) آمده، می پردازد. او با ابتدا کردن از این حکم هایدگر که «استعاره تنها در قلمروی متافیزیک موجودیت دارد» دریدا را به پیروی غیرانتقادی از آن حکم متهم کرده، موضع دریدا را همانند موضع هایدگر در «اصل عقل» (۵۶ - ۱۹۵۵) می داند، موضعی که با همسان سازی فلسفه و ادبیات بر اساس استعاری دانستن هر دو، مرز میان آن ها را از بین می برد. ریکور خود مدافع حفظ سنت ارسطویی در رعایت مرزبندی بین فلسفه و ادبیات است، تا به این وسیله بنیان اندیشه فلسفی را حراست کند. به عبارت دیگر، ریکور می خواهد با اثبات «هستی استعاره»، فلسفه را در اندیشه کردن به «استعاره هستی» مجاز و موفق جلوه دهد. ریکور صراحتاً دریدا را متهم می کند که با «شالوده شکنی بی قید و بند» خود مرزهای میان فلسفه و ادبیات را مخدوش کرده، به این ترتیب «آینده فلسفه» را به مخاطره انداخته است.

دریدا در مقابل، اتفاقاً با پی گیری نقد خود بر هایدگر، نقدی که از آغاز، از همان مقاله مشهور «ساختار، نشانه، و بازی» آغاز شده بود (آن جا که اتهام «آخرین متافیزیسین» یا «آخرین افلاتون گرا» را که هایدگر متوجه نیچه دانسته، علیه خود او اقامه کرده و از نیچه رفع اتهام می کند)، به ریکور نیز پاسخ می دهد. ریکور در انتقاد از ساختارگرایی، تعبیر مشهور «کانت گرایی بدون سوژه استعلایی» را به کار برده بود و جالب آن که دریدا در جستار «بازنشان استعاره» (۱۹۷۷) هایدگر و ریکور هر دو را در صدد اثبات دین خود به کانت و در راه گریز از هگل می داند و نشان می دهد که هر دو چگونه در این کار البته ناکام مانده اند. حکم هایدگر با آن که در مورد فلسفه مصداق داشته، به همان نحو در مورد ادبیات مصداق ندارد. و در نهایت، نفس مفهوم «نوشتار» است که این مرزبندی سنتی بین فلسفه و ادبیات را مضمحل می کند.

حال باید به مسأله «متن» و «نوشتار» بپردازیم. ریکور سخنرانی خود در دانشگاه ایالتی نیویورک، «نوشتار همچون مسأله ای پیش روی نقادی ادبی و هرمنوتیک فلسفی» (۱۹۷۷)، را با این یادآوری آغاز می کند که هرمنوتیک نگره ای است که به تأویل متنی می پردازد و بنابراین با نوشتار سروکار دارد. همین جا می توان یک تفاوت اساسی را ملاحظه کرد: فروکاست «متن» به «نوشتار» - و در ادامه به نوع خاصی از نوشتار، یعنی نوشتاری که کارکردی ارتباطی دارد. می دانیم که برای دریدا «نوشتار» صرفاً صورت نوشتار آوایی، خطی، و زبان شناختی را ندارد. هر متنی می تواند یک نوشتار باشد، چون به باور او «هیچ چیزی بیرون از متن وجود ندارد» (یا به برگردان دقیق تر، هیچ «برون - از- متن» ی وجود ندارد). سوای برداشت محدود ریکور از متن، اساس این اختلاف بر می گردد به خود آن مفهوم. ریکور با وجود قائل شدن به چنین اهمیت و محوریتی برای «متن»، هشدار می دهد که «ایدئولوژی متن مطلق» (متنی فارغ از هر مؤلفه پدیدارشناختی یا هستی شناختی دیگر، از جمله انگاره مؤلف) باید بر حذر بود. این که نگره ای نظیر «مرگ مؤلف» نگره ای ساختارگرایانه است یا پساساختارگرایانه، بحث دامنه داری است که در این مجال نمی گنجد. اما همین قدر می شود گفت که امتناع ریکور از پذیرش «مرگ مؤلف» تا آن جا که به نوعی سوژه باوری منتهی شود مورد اعتراضات مشهور دریدا است.

بحث های دریدا در رد رادیکال انگاره سوژه از سویی متنوع تر و از سوی دیگر مفصل تر از آن است که در این جا مجالی برای مرور آن ها باشد. اما حال که حرف به این جا کشید، بد نیست به عنوان نوعی پایان بندی، گریزی به تأویل ریکور از مسأله سوژه بزنیم، که ارتباط مستقیمی هم با مسائلی نظیر اخلاق و آزادی انسانی پیدا می کند. در این جا هم مثل گذشته، هایدگر مرجع مهمی برای او به شمار می رود. ریکور در جستار یازدهم «تعارض تأویل ها» تحت عنوان «هایدگر و مسأله سوژه» همان پرسشی را پی می گیرد که پیش تر به آن اشاره کردم: «من که ام؟» ریکور با طرح دیدگاه هایدگر در مورد مسأله دکارتی هستی سوژه اندیشیده، دیدگاه دکارتی را به معرفت شناسی «می اندیشم» ملقب کرده و در مقابل اندیشه هایدگر را هستی شناسی «من هستم» می نامد، سپس نگرش غیردکارتی، ناماهیت باور، و وجود باور به سوژه را در پرتوی آرای هایدگر متقدم در باب زبان و آرای هایدگر متأخر در باب تاریخ تشریح می کند، و ضمناً به اتهام توجه بیش از حد به هایدگر متقدم و غافل شدن از هایدگر متأخر پاسخ می دهد. تا به این جا ریکور تکلیف خود با وجود سوژه را روشن کرده، اما بعد باید از این هم فراتر رفته، از سویی به وجود سوژکتیویته ای قائل شود که یک ذهنیت «تنانی» یا مجسم است و بنابراین «تجربه» نقشی اساسی در شکل دهی به آن دارد، اما از سوی دیگر این سوژکتیویته فاعلیتی صرفاً مقید به تجربه نیست ـ به تعبیر هرمنوتیکی، تنها تجربه نیست که «افق انتظار» را تعیین می کند: هر سوژه تاریخی زبانی دارد، یا هر ذهنی تن خود را همچون «روایت» تجربه می کند که هم آزادی و هم مسؤولیت اخلاقی را برای او به ارمغان خواهد آورد.

تا به این جا، گمانم با شیوه اشاراتی که داشتم، همدلی ضمنی خود با مواضع دریدا در قبال ریکور را نشان داده ام. باور دارم که انتقادات دریدایی از برخی آرای ریکور هنوز هم کمابیش ناگفته و شاید این دیدگاه ها را از بعضی جهات به کل به حاشیه رانده باشند. با این حال، نمی توانم از سایر جهات، همدلی شدید و حس احترام عمیق خود به کار ریکور را پنهان کنم، کاری که پاس دارنده منطق مکالمه بود و از همین رو در معرض نقادی های متفاوت و تأویل های متعارض قرار گرفت. ورای این همه، جنبه های خاصی در کار او هست (جنبه هایی که من در این جا اشاره ای به آن ها نداشتم یا اشاره ای گذرا داشتم) که به شخصه همدلی آشکارتری با آن ها دارم. از جمله این جنبه ها همان مسأله سوژه است. به گمانم، امروز که با همه توجهات دوباره به ساترتر، دیگر امیدی به احیای سوژه باوری اومانیستی - ایدئالیستی او نیست، ریکور می تواند با سوژه گرایی تعدیل شده و هویت خواهی توهم زده ام راهی برای آزادانه تر گام زدن در زیر «کهکشان تفاوت ها» و از خود گفتن در عین گوش سپردن به گفتمان «دیگری باوری» دریدایی نشان دهد. شاید امروز که هنوز در دنیایی زندگی می کنیم که در آن به شرم آورترین شکل ممکن شاهد سلب آزادی و اعمال خشونتی ناانسانی در مورد کسانی هستیم که جرم مسلم شان «دیگر» اندیشی و اصرار بر «تفاوت» مندی خود بوده، دست شستن یا حتی دست کم گرفتن «دیگری باوری» دریدایی و تسلیم شدن به سلطه متافیزیک سیاسی و اجتماعی گناهی نابخشودنی به نظر رسد ـ که متأسفمین گونه است؛ با این حال مطمئناً «خودباوری» ریکوری هم نکرده، دیگراندیشی و تفاوت داشت در این جا معنایی جز ارائه تأویلی تازه ـ خواه متفاوت و خواه متعارض- ندارد.

خلاصه بگویم: با این همه، با وجود یا دقیقاً به دلیل فاصله گیری هرمنوتیک ریکوری از رادیکالیسم اتوپیایی است که، در برابر گفتمان چپ سنتی و برداشت منجمد و مدرنیستی آن از تفکر تاریخی و نیز چپ جدیدی که لباس پسامدرنی به تن کرده تا تقدیرباوری و بدبینی ماقبل مدرنیستی را جار بزند، کتابی چون «خاطره، تاریخ، و فراموشی» (۲۰۰۱) می تواند ما را بار دیگر متوجه مسؤولیت های خطیر انسانی کند، از آزادی ای خبر دهد که اجازه می خواهم آن را در این کلام بابک احمدی درباره «ابله خانواده» سارتر خلاصه کنم که: «آن چه دیگران می خواهند از تو بسازند بن بستی نیست، همیشه راهی هست.»

کتاب اندیشه

چشم اندازهای جهانی

* آنتونی گیدنز
* ترجمه محمدرضا جلائی پور
* نشر طرح نو

آنتونی گیدنز در ایران نام شناخته شده ای است. چندین کتاب از وی به فارسی ترجمه شده و تعدادی از مصاحبه ها و سخنرانی های او در نشریات انعکاس یافته است. کتاب «جامعه شناسی» او، از کتابهای پایه ای و محوری در حوزه علوم اجتماعی بویژه جامعه شناسی است.

حتی اگر ادعا کنیم که امروزه به هیچ جامعه شناسی به اندازه گیدنز ارجاع داده نمی شود، بیراه نخواهد بود. گیدنز از متفکرینی است که از اواسط دهه هشتاد به بحث جهانی شدن پرداخت و کتاب حاضر جدیدترین مباحث و نظریات او در این زمینه است.

کتاب «چشم انداز های جهانی» مجموعه ای است از پنج سخنرانی گیدنز که در سال های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ در مدرسه اقتصادی و علوم سیاسی لندن (LSE) ایراد شده اند.

شیرازه این سخنرانی ها را می توان بحث جهانی شدن و نظریه جهان رها شده وی دانست. چشم انداز نظم جهانی، چشم انداز دولت- ملت، چشم انداز نابرابری جهانی، چشم انداز خانواده و چشم انداز دموکراسی، عناوین این پنج سخنرانی هستند.

گیدنز در سال ۱۹۹۸ به ایراد یک سلسله سخنرانی پیرامون جهانی شدن پرداخت که در کتاب «جهان رها شده» (Runaway World) منتشر شدند. اما مجموعه سخنرانی هایی که در کتاب حاضر (چشم اندازهای جهانی) آمده است در واقع به نوعی روز آمد شده کتاب «جهان رها شده» است.

یکی از ویژگیهای گیدنز، کلام روان، خوش فهم و شیوای اوست. و مترجم سعی کرده است که در ترجمه فارسی این روانی کلام گیدنز حفظ شود و در عین انتقال صحیح و دقیق معنی به ساختار طبیعی و خطابی متن اصلی لطمه ای وارد نگردد.

مسکو و سن پترز بورگ
آنتالیا - استانبول
دبی کیش
مالزی - سنگاپور
رزرو هتل در سراسر جهان - کارت اعتباری پارسیان
کیهانگردی مهر ۵-۵۵۷۲۲۲۳

اگر به کیفیت عالی می اندیشید
لبنان سوریه
مالزی
سنگاپور
۸۸۸۰۱۳۲۷

تابستان ۸۴
دوبی ۲۸۰/۰۰۰ تومان
مالزی ۵۷۵/۰۰۰ تومان
چین ۱/۰۸۰/۰۰۰ تومان
تایلند ۴۰۰/۰۰۰ تومان
سنگاپور - بکن - شانگهای - بانکوک - پاتایا
تماس از ۹ صبح تا ۹ شب
فروش بلیط کلیه خطوط هوایی
فراز آموت ۷۷۵۲۳۲۳۸

تونس سرزمین آفتاب و دریا
هتل های ساحلی با صبحانه کامل، شام بوفه و گشت ویژه
مغرب پلی میان آفریقا و اروپا
کشتیهای مخصوص کازابلانکا و آکادیر و رباط
فلامینگو ۲۲۲۲۴۰۱۴ آریانا تور ۸۸۷۳۱۷۲۲

بلیط + یک هفته هتل رایگان = ۲۹۹۰۰۰ تومان
آنتالیا ازمیر کوش آداسی
بدروم دیدیم
دلتایان ۲۲۹۰۷۸۴۸

تور استثنایی اردن
۷ شب اقامت در هتل ۵ ستاره با صبحانه و ناهار
پرواز مستقیم با یونینگ.
دیدار جاذبه های توریستی امان، پترا و سواحل زیبای بندرعقبه همراه با تورهای صحرایی و دریایی (دریای سرخ)
آژانس مهماندار: ۸۸۴۱۰۱۳۰ - آژانس چالاک پرواز: ۸۸۵۱۳۷۷۷

چین تورهای هفتگی
با پرواز امارات Emirates
پرواز ایران ایر ۸ روزه
پرواز قطر ایرویز ۹ روزه
تور نمایشگاهی گوانگجو
آژانس تاتینا ۸۸۷۸۵۵۸۳-۸۴ مجری مستقیم تور با پرواز های هفتگی

آنتالیا
کوش آداسی
مارماریس
بدروم
PTG Pars Tours Group
۸۸۷۱۸۶۳۰
۸۸۸۲۴۹۳۷
۸۸۳۰۹۶۹۵
۸۸۷۱۰۳۹۸

فول چارترکاسپین
فستیوال تابستانی
دبی و کیش دلتایان
همراه با City Tour رایگان
وقت و سرویس سفارت
۲۲۲۲۲۴۲۶

بدروم، مارماریس، استانبول، کمر، بلک
آنتالیا
هتلهای ۴، ۵ و ۷ ستاره ساحلی با خدمات:
ALL INCLUSIVE
دبی هتل ۵ ستاره، شرایتون دیره
چین
ره آورد ۲۱ ۲۱ ۸۸ ۸۲
تماس تا ۸ شب، ایام تعطیل باز است

پرواز مستقیم
همه هفته دوشنبه ها
قبرس
کشور اروپایی
سواحل (بای مدیترانه (قارنگا)
آنتالیا، استانبول، بدروم، مارماریس
دبی، چین، کیش
۸:۳۰ صبح الی ۹ شب جمعه ها تا ۲ بعد از ظهر
ملاصدرا ۸۸۰۵۷۷۰۷
تشریفات ۲۲۸۵۲۵۲۸
عرشیا ۴۴۶۵۱۸۱۹

ارزانترین بلیط های آمریکا و اروپا
مرکز تورهای
آنتالیا - آلانیا
تایلند
مارماریس
بدروم
دوبی
مالزی، سنگاپور
هندوستان
فنا گشت ۶۶۴۳۷۱۷۱ (۱۰ خط) ۶۶۵۰۵۱۱۱ (۱۰ خط)
مهرتور ۸۸۷۵۱۶۵۳ (۱۰ خط)

آنتالیا
پرواز مستقیم ترکیش ایرلاین
TURKISH AIRLINES
TÜRK HAVA YOLLARI
مارماریس
بدروم
استانبول
آنتالیا اسپانیا ۱۴ روزه
فرانسه آتریش
آنتالیا اتریش ۱۰ روزه
بلک کمر سیده آلانیا
آویژگان مرکز تورهای نوین
۲۲۰۰۸۰۹۵
دبی کیش
تعطیلات باز است
پرزیل
مسکو - سن پترز بورگ
صدور بلیط داخلی و خارجی با کلیه خطوط هوایی

PEGASUS AIRLINE
مارماریس - بدروم - کوش آداسی - استانبول
آنتالیا - ازمیر (اقامت رایگان)
تلفن: ۲۲۲۲۲۸۰۰
ایام تعطیل باز است
Stars Tours & Travel

تابستان ۸۴
IN.T.L TOUR OPERATOR
پروازهای مستقیم
Iran Air
تماس از ۹ صبح تا ۹ شب
تعطیلات باز است
مارماریس
تورکامل ۸ روزه
برای کلیه تورها از
بودروم
آنتالیا ۳۹۵۰۰۰ تومان
فتحیه
کمر
آذین گشت ۸۸۰۶۰۵۳۵
ستاره الهیه ۲۲۰۵۲۰۱۱
فراز آموت ۷۷۵۲۳۲۳۸